



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

فضائل اهل بیت (ع) در آیه‌های متعددی از قرآن آمده است. افزون بر اینکه ایشان نمونه و مصداق کامل گروه‌های مورد مدح قرآن هستند، آیه‌هایی به طور خاص در شأن ایشان نازل شده که آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسان از جمله آنهاست. التجاء مسکین و یتیم و اسیر به درب خانه اهل بیت (ع) و مسئلت از ایشان، نشان از این دارد که این ابرار مرجع مهربانی بوده بوده و کرامت ایشان به حدی است که دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند که در مدح ایشان آیه نازل می‌گردد. البته باید گفت که این فضیلت نزد همه پذیرفته شده نیست. گروهی این سوره را مکی دانسته که در این صورت سبب نزولی را برای آن نمی‌پذیرند. جمعی دیگر سوره را مدنی معرفی کرده ولی در شأن نزول آن متفق نیستند. در این پژوهش به منظور احراز صحت سبب نزول اهل بیت علیهم السلام ابتدا مدنی بودن سوره اثبات شده و سپس شأن نزول‌های دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد که در صورت نقد و رد آنها، تنها سبب نزول انفاق خانواده حضرت علی (ع) باقی می‌ماند. بعد از ذکر مطالبی در تأیید این سبب، به شبهات مخالفان در این مورد پاسخ داده خواهد شد.

لازم به ذکر است که در این زمینه، نگارش‌های بسیاری تألیف و دلائل بسیاری در اثبات این سبب نزول اقامه شده است که در بخش پیشینه به آن اشاره می‌گردد لکن در نوشتار حاضر اهتمام بر آن بوده که تحلیل‌ها و مطالبی ارائه شود که دیگران به آن اشاره نکرده و در تألیفات دیگر نیامده باشد. از جمله اینکه مطالب مخالفان به شیوه جدل، نقد و رد شده است. هم‌چنین به دلیل اینکه شیعه بر صحت این شأن نزول، اجماع دارد، سعی شده بیشتر از منابع اهل سنت دلیل آورده شود تا مورد پذیرش ایشان قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در مورد این آیات و چالش‌ها و شبهه‌های مربوط به آن گذشته از تفاسیر و کتب متعدد از جمله کتاب «تفسیر سوره اهل اتی» از سیدجعفر مرتضی عاملی، مقالات متعددی تألیف شده است که تعدادی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

- «کاوشی در مکی یا مدنی بودن سوره دهر»، (بهارزاده، ۱۳۸۱): نویسنده

این مقاله معتقد است که سوره مکی بوده ولی شأن نزول خاص داشته است که ماجرای اتفاق اهل بیت (ع) می‌باشد. بدین شرح که شأن اعم از سبب است و می‌تواند بعد از نزول سوره رخ دهد.

- «جایگاه اهل بیت (ع) در سوره دهر از منظر فریقین»، (بشوی،

۱۳۸۵): در این نوشتار روایات شأن نزول در مورد اهل بیت (ع) بررسی سندی شده و برخی از آنها صحیح دانسته شده است. سپس به شبهات اهل سنت پاسخ داده است.

- «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»،

(عبداللهی عابد، ۱۳۸۷): در این پژوهش روایات شأن نزول اهل بیت (ع) از جهت سندی و محتوایی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و روایت معتبر معرفی شده است.

- «سوره انسان و اهل بیت»، (اقبال، ۱۳۹۱): هدف این نگارش اثبات

مدنی بودن سوره و اثبات شأن نزول آن در مورد اهل بیت (ع) و رد و نقد دیگر شأن نزول‌ها است.

- «بررسی تطبیقی آیه هشتم سوره انسان از دیدگاه فریقین»، (درآباد و

خداپرست، ۱۳۹۳): در این نوشتار با استناد به دلائل متقن برون متنی و درون

متنی، سبب نزول مرتبط با اهل بیت (ع)، مورد پذیرش قرار گرفته است. هم‌چنین دیدگاه اهل سنت مبنی بر شأن نزول در مورد دیگران یا مکی بودن سوره یا تعمیم آیات این سوره به افرادی غیر از اهل بیت (ع)، نقد و رد شده است.

- «بررسی تطبیقی شأن نزول آیات اطعام (۵-۲۲ سوره انسان) از دیدگاه مفسران فریقین»، (میرزا، ۱۳۹۶): در این مقاله مکی و مدنی بودن سوره و شأن نزول‌های مختلف آمده و مورد بررسی قرار گرفته و تطبیق قرائن صحیح را بر شأن نزول اهل بیت دانسته است.

- «شبهات سبب نزول آیه هشتم سوره انسان»، (انواری، ۱۳۹۹): در این پژوهش شبهات انکار شأن نزول اهل بیت (ع) به دو روش نقضی و حلّی مردود گردیده است.

لازم به ذکر است که وجه افتراق این مقاله با پژوهش‌های یاد شده، بررسی و نقد متفاوت می‌باشد که ضمن نوشتار خواهد آمد. به عنوان مثال در نقد کسانی که سوره را مکی دانسته‌اند، ذکر شده که عده‌ای از ایشان علی‌رغم این عقیده، شأن نزولی مدنی در مورد این آیات ذکر نموده‌اند.

۱- مدنی یا مکی بودن سوره انسان

برای دانستن مکی یا مدنی بودن سوره باید دید، با چه دلائلی سوره مکی یا مدنی دانسته می‌شود. معمولاً، دلیل یا روایات صحابه و تابعین است و یا اینکه بر اساس ظاهر و محتوای سوره حکم می‌شود. سوره انسان از جمله سوری است که در مکی یا مدنی بودن آن اختلاف است. در ادامه با بررسی رأی قائلان دو نظر، دیدگاه صحیح مشخص می‌شود.

۱-۱- مکی بودن

مقاتل گفته سوره انسان مکی است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۱۹)، لکن این سخنش با شأن نزولی که برای آن آورده، ناسازگار می‌باشد؛ بدین شرح که ضمن روایتی که به عنوان سبب نزول آیه هشتم این سوره آورده، ذکر شده اسیری به در خانه ابادحداح یا حضرت علی (ع) آمد و ندا کرد که به غریبی که در سرزمین شماست، شام بدهید. به حق کسی که شما را عزیز و من را ذلیل گرداند مرا طعام دهید (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲۵). روشن است که در دوران مکی مسلمانان آن قدر اقتدار نداشتند که کسی اینگونه خطابشان کند و بگوید به حق کسی که شما را عزیز گرداند. بنابراین به دلیل تعارض در اقوال مقاتل، نظر وی مبنی بر مکی بودن سوره ساقط می‌شود.

ثعلبی سوره را مکی دانسته (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۳)، لکن در تفسیر «اسیرا» آورده که مراد اسیر حربی است و نقلی از قتاده با مضمون مشرک بودن اسیران در این سوره آورده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۶). روشن است که مسلمان در دوران مکی قدرتی برای گرفتن اسیر نداشته‌اند و این تناقض گفتار ثعلبی منجر به عدم پذیرش قول مکی بودن سوره می‌شود. ثعلبی هم‌چنین چند مورد سبب نزول ذکر کرده که همه آنها مدنی بودن سوره را می‌رسانند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۸). بیضاوی نیز گفتار همین تناقض شده و در حالی که سوره را مکی معرفی کرده است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۶۹)، در معنای اسیر آورده که مراد اسراء مشرکین هستند که پیامبر (ص) آنها را به مسلمانان می‌سپرد و سفارش می‌کرد که به آنها احسان کنند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۷۰). این تناقض سخن وی را می‌رساند.

فخر رازی نیز به مکی بودن این سوره قائل است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۳۹). وی در ضمن تفسیرش به نقل از فضیل آورده که مراد از مسکین و یتیم و اسیر

در آیه ۸ این سوره، همان کسانی هستند که در این آیاتی از سوره بلد^۱ ذکر شده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۷)؛ از آنجایی که سوره بلد به اذعان خود فخررازی مکی است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۱۶۴)، می‌توان گفت که وی با بیان این مطلب، تلویحا ادعایش بر مکی بودن سوره انسان را تقویت می‌کند. بدین شرح که اهتمام به مسکین و یتیم و اسیر در دوران مکی نیز موضوعیت داشته است. لکن باید گفت آزاد کردن بنده نیز که در آیه ۱۳ سوره بلد آمده، عام است و مقید کردن آن به اسیر دلیلی ندارد تا تناسبی با آیه ۸ سوره انسان داشته باشد. هم‌چنین اطعام مسکین در سوره‌های مدنی (از جمله در آیه ۱۸۷ سوره بقره و ۹۵ سوره مائده) نیز آمده است و نمی‌توان این را دلیلی بر مکی بودن موضوع و سوره دانست.

براساس نظر ابن عاشور، صحیح‌تر مکی بودن سوره است. به اذعان وی کسانی که این سوره را در شأن حضرت علی یا ابا‌دحداح دانسته‌اند، به اشتباه سوره را مدنی می‌دانند در حالی که این دو مصداق آیه هستند نه سبب نزول آن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۳۴۴). بنابر مکی بودن این سوره مراد از اسیر در آن، برده‌های مسلمان هستند. زیرا مشرکان بنده‌هایی که اسلام آورده بودند مانند بلال و عمار و مادرش را گرسنه نگه می‌داشتند. وی دلیل بر این سخنش را اینگونه بیان کرده که بندگی از اسیری نشأت می‌گیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۳۵۷). در فرض پذیرش این سخن که اصل بردگی، اسیری باشد، باز هم دلیلی بر استعمال این واژه‌ها به جای یکدیگر نیست و در جایی نیامده که به بنده، اسیر گفته شود. چه اینکه روشن است این دو کلمه تفاوت‌های بارزی با هم دارند. در واقع وجه و دلیلی بر اینکه آیه به جای برده، لفظ اسیر را بیاورد

۱. «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ، وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ، فَكُ رَقَبَةً، أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ، يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ، أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ»، (۱۱ - ۱۶).

و از تعبیر «عبد» اعراض کند، وجود ندارد که اگر علتی بود، ابن عاشور آن را بیان می‌کرد. علاوه بر اینکه هر جا واژه اسیر در قرآن ذکر شده، (بقره: ۸۵)^۱، (انفال: ۶۷)^۲ و ... به معنای اصلی خودش بوده است. مطلب دیگر اینکه، ابن عاشور به جز مکی بودن سوره، دلیل دیگری بر اینکه روایات را مصداق دانسته، نه شأن نزول، بیان نکرده است. پس اگر مدنی بودن سوره اثبات شود، دیگر انکاری بر شأن نزول ندارد.

سیدقطب گفته که مکی بودن این سوره با توجه به موضوع و سیاق و ویژگی‌هایش کاملاً مشخص است. وی به همین دلیل روایات مکی بودن سوره را پذیرفته زیرا سیاق سوره‌های مکی نعمت‌های حسی را مفصل بیان می‌کنند و عذابی غلیظ و شدید را به تصویر می‌کشند و نیز اینکه پیامبر (ص) به صبر و عدم اطاعت آثم و کفور امر شده است. وی این امر را توصیف دوران مکی می‌داند که پیامبر (ص) برای دعوتش در نهایت اذیت و شدت بود (سید، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۷۷۷). علامه طباطبایی اینگونه به این مطلب اینگونه پاسخ داده که بیان طولانی نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های غلیظ جهنم مختص سوره‌های مکی نیست چه اینکه در سوره‌های مدنی مانند رحمان و حج نیز این ویژگی دیده می‌شود. البته علی‌رغم اینکه علامه معتقد است که قسمت دوم سوره که مشتمل بر امر به پیامبر (ص) بر صبر در مقابل آثم و کفور است، مکی می‌باشد^۳، گفته در فرض اینکه نزول سوره یک دفعه باشد، باید گفت که این دستور اختصاص به سوره‌های مکی ندارد و در سور مدنی مانند آیه ۲۸ سوره کهف نیز آمده است: «وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَیْنَاکَ عَنْهُمْ

۱. «وَ اِنْ یَاْتُوْکُمْ اُسَارِیُ تُقَدُّوْهُمْ»

۲. «مَا کَانَ لِنَبِیٍّ اَنْ یَّکُوْنَ لَهُ اُسْرٰی»

۳. علامه این ابتدای این سوره را مدنی و انتهایش را مکی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۰)؛ طبرسی نیز این قول را که از آیه ۲۳ تا آخر سوره مکی و ابتدایش مدنی باشد را نیز نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج

تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَمُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا». علاوه بر اینکه رنج و آزاری که در مدینه از منافقین به پیامبر صلی الله علیه و رسید کمتر از محنت‌هایی که ایشان از کفار مکه کشید، نبود. به عبارتی عنوان «آثم» و «کفور» مختص به مکه نیست و به استناد آیه ۱۱ سوره نور و آیه ۱۱۲ سوره نساء، در مدینه نیز موضوعیت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۳۶). علاوه بر اینکه معیار در تعیین سوره‌های مکی و مدنی، نقل است، نه قیاس و استحسان (عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۷).

سیدقطب هم‌چنین در تأکید بر مکی بودن این سوره، بیان کرده آیه هشتم به محیط خشن مشرکان در مکه اشاره دارد و اینکه علی‌رغم رجزخوانی و ادعای ایشان، مکه محیط مناسبی برای برآوردن نیازهای ضعیفان نبوده است. در این میان ابرار، با مهربانی و خلوص نیت، در آن بیابان سایه‌ای برای ضعیفان بوده و ایشان را اطعام می‌نمودند (سید، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۷۸۱). رکاکت این استدلال ناگفته پیداست چه اینکه وجود مساکین و ضعیفان در مکه، نفی وجود ایشان در مدینه نیست. در محیط مدینه با توجه به تعداد مهاجران، عده بسیاری در فقر و ضعف به سر می‌بردند و نمی‌توان گفت در آن دوران مسکین و یتیم و اسیر وجود نداشته است. این تفسیر به رأی است که بدون دلیل آیه‌ای ربط به موضوعی داده شود. ضمن اینکه باید گفت روش سید قطب در تفسیرش این است که به بیان اسباب نزول می‌پردازد اما در خصوص آیاتی که در شأن اهل بیت (ع) نازل شده، سکوت می‌کند (ایمانی و خطی، ۱۳۸۶: ۵۵). در اینجا نیز وی با اصرار بر مکی بودن سوره، درصدد انکار شأن و منزلت اهل بیت است. در مورد روایات مکی بودن سوره انسان^۱ نیز باید گفت که این اخبار به دلیل تعارض ساقط هستند، بدین شرح که برخی روایان این اخبار مدنی بودن این سوره را

۱. به علت اینکه نگارش‌های دیگر به روشنی و به طور کامل این اخبار را مورد نقد قرار داده‌اند، (از جمله:

اقبال، ۱۳۹۱) از تفصیل این موضوع صرف نظر می‌شود.

نیز گزارش کرده‌اند^۱. دلیل دیگر در عدم اعتبار این روایات، شاهد قضیه و نزول نبودن راوی آخر است^۲ (اقبال، ۱۳۹۱: ۸). مرتضی عاملی نیز این روایات را نقد کرده است؛ به عنوان نمونه یکی از روایات مکی بودن سوره انسان را به این دلیل رد می‌کند که راوی آن ابن‌زبیر است و عداوت او با اهل بیت (ع) و انکار فضائل ایشان توسط او روشن است^۳ (عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۷).

۱-۲- مدنی بودن

در مدنی بودن سوره انسان نقل طبرسی از امیرالمومنین علی (ع)، روایات ابن عباس از چند طریق، مجاهد، جابر، ابوصالح، عکرمه، حسن بصری، محمد بن مسلم، عطاء، حسین بن واقد، ابن جوزی، زرکشی قابل ذکر است (اقبال، ۱۳۹۱). حاکم حسکانی در رد و نقد سخن نواصب بر اجماع در مکی بودن سوره، روایات فراوانی با اسناد کامل و مختلفی از افرادی مانند ابن عباس و عطاء و حسن و عکرمه و دیگران در مدنی بودن سوره آورده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۰۹-۴۱۴).

به نقل طبرانی آیه ۸ تا آخر سوره انسان در مدینه نازل شده است (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶: ۳۹۸). ابن عطیه گفته که برخی مفسران گفته‌اند که سوره انسان مکی است ولی نقاش و ثعلبی از مجاهد و قتاده روایت کرده‌اند که این سوره مدنی است و

۱. نحاس از ابن عباس گزارش کرده که سوره مکی است. البته چون نقل‌های مجاهد و قتاده نیز به مدنی بودن این سوره حکم کرده‌اند پس روایت نحاس از اعتبار ساقط است. البته حسکانی نیز همین طریق نحاس را از ابن عباس آورده که سوره مدنی است.

۲. ابن ابی طلحه چون سندش به صحابی نمی‌رسد قولش در مکی بودن سوره معتبر نیست.

۳. البته عاملی گفته حتی اگر سوره مکی هم باشد، پس از وقوع جریان اتفاق اهل بیت علیهم السلام جبرئیل این آیات را دوباره نازل کرده است. (عاملی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۹)

حسن و عکرمه قائلند که آیه ۲۴ این سوره مکی و باقی آن مدنی است (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۴۰۸). وی شأن نزول را در مورد حضرت علی و اطعام سه گانه وی یا در مورد ابن دحداح می‌داند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۴۰۸) که این نشان می‌دهد خود او نیز به مدنی بودن سوره قائل است. زمخشری آورده که سوره انسان مدنی می‌باشد و بعد از سوره الرحمان نازل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۶۵). سمرقندی نیز سوره را مدنی می‌داند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۵). بیهقی با اسنادش به نقل از حسن آورده که سوره انسان در مدینه نازل شده است (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۱۴۲). در تفسیر نمونه به استناد سخن قرطبی آمده که مشهور در میان اهل سنت مدنی بودن این سوره است. سپس نام کسانی که سوره را مدنی دانسته‌اند، مانند حاکم حسکانی و احمد زاهد و ابو عبدالله زنجانی و ابن ندیم و سیوطی و بیهقی و عکرمه و زمخشری ذکر شده است. هم‌چنین کسانی مثل واحدی و سبط بن جوزی و شافعی که سبب نزول این سوره را در مورد اهل بیت نقل کرده‌اند، نیز در زمره معتقدان به مدنی بودن سوره به شمار می‌آیند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵: ۳۲۸-۳۳۰). به طور کلی و به اذعان علامه طباطبایی، روایات اهل سنت در مدنی بودن سوره مستفیض است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۰). به جز روایات، دلیل دیگری که تأیید می‌کند، سوره مدنی است، تعبیر «اسیر» در آیه هشتم است که اگر به معنای اسیر مشرک باشد، نشان می‌دهد که سوره مکی نیست زیرا در دوران مکی مسلمانان اقتدار بر گرفتن اسیر نداشتند. در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- اسیرا

ذکر اسیر در بین کسانی که ابرار آنها را اطعام نموده‌اند، با عنایت به اینکه اسارت بعد از هجرت پیامبر (ص) و غلبه اسلام بر شرک موضوعیت پیدا می‌کند، بهترین گواه

مدنی بودن سوره است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۷). از میان مفسرانی که به مشرک و کافر بودن اسیر در آیه حکم کرده‌اند، افراد زیر را می‌توان نام برد: مقاتل (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۴۲۵)، قتاده، عکرمه، حسن (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۳۰)، ابن عباس (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۷۰)، (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹)، سمرقندی (۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۶)، ابن وهب (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۴۵۹)، ابن ابی زینب (۱۴۲۴، ج ۲: ۴۷۱)، ابن حنفیه (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۶۸۰)، بیضاوی (۱۴۱۸، ج ۵: ۲۷۰)، ابو عبید، بیهقی، ابن جریج (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹) و قشیری (۲۰۰۰، ج ۳: ۶۶۳)؛ اینکه تعداد زیادی از مفسران متقدم این معنا را برای اسیر ذکر کرده‌اند، مرجح تعدادی است که قابل اعتنا می‌باشد. دیگر مفسران نیز به توضیح بیشتر در مورد اسیر پرداخته‌اند. مثلاً طبرانی ادعان کرده مراد کافری می‌باشد که به دست مسلمانان اسیر گردیده است (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶: ۴۰۳). به نقل از سعید بن جبیر و عطاء آمده مراد اسیر از اهل قبله و دیگران است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۳۰)، (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹) قابل ذکر است که اگر اسیر در آن زمان مشرک هم نبود و از اهل قبله بود، در زمان مکی رابطه مشرکان و یهودیان، مسالمت‌آمیز بوده و جنگ و جدالی بین آنها گزارش نشده که موجب گرفتن اسیر باشد. پس در فرض اینکه اسیر اهل قبله بوده، دوران مدنی بوده و ممکن است گرفتن اسیر بعد از جنگ با یهودیان مراد باشد.

مطلب قابل اشاره در بحث اینکه روایاتی که مراد از اسیر را موارد دیگری ذکر کرده‌اند، ناظر به بطن و مصداق‌های این تعبیر هستند نه ناظر به تفسیر آیه. به عنوان نمونه نقل شده که حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند: سزاوار است بر مرد که روزی را بر عیال خود فراخ گرداند تا ایشان آرزوی مرگ او را نداشته باشند و سپس آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» را تلاوت کردند و فرمودند

اسیر، عیال مرد می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۱). روشن است که این روایت به معنای باطنی آیه اشاره داشته و یکی از مصداق اسیر در آیه را برشمرده است. به عبارتی عیال مرد به اسیر در این آیه قابل تطبیق است. قرینه بر این مدعا روایتی از خود حضرت رضا (ع) است که شأن نزول آیه را که راجع به اهل بیت (ع) و اطعام اسیر توسط ایشان است، بیان کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۹۴). که این تفسیر آیه است و با قول دیگر حضرت در مورد بطن آیه منافاتی ندارد. همچنین است سخن ابوحمزه ثمالی که گفته مراد از اسیر، زن است که دلیل این تأویل او، سخن پیامبر (ص) است که فرموده با زنان به نیکی رفتار کنید زیرا آنها نزد شما اسیر هستند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۶). مشخص است که در اینجا نیز بیان مصداق و تأویل منظور است نه معنا و تفسیر آیه. بنابراین، سخن علامه طباطبایی که گفته: ظاهر آن است که مراد از اسیر همان به اسارت گرفته شده از جنگ باشد و اقوال دیگر اعم از اینکه مراد اسرای بدر یا اسرای اهل قبله یا محبوس یا مملوک یا زن و همسر، تکلف بوده و دلیلی بر آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۶ و ۱۲۷)، دقیق نیست زیرا با مشخص کردن محدوده تفسیر و تأویل و بطن نیازی به رد و طرد قول نمی‌باشد.

دلیل دیگر بر مسلمان نبودن اسیر، برخی روایات سبب نزول است که در آنها صریحا به کافر بودن اسیر اشاره شده است^۱ (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۳). قرینه واضحی در مدنی بودن سوره، آزاد بودن اسیر است. بدین شرح که اسیر معمولا در بند می‌باشد اما طبق تاریخ در زمان پیامبر (ص) زندانی وجود نداشت و پیامبر (ص)، اسیران را به مسلمانان سپرده و توصیه به نیکی به آنها می‌نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵: ۳۵۳).

۱. ضمن روایت فرات کوفی از امام صادق علیه السلام آمده: «فَإِذَا أُسِيرَ كَافِرٌ قَدْ قَامَ بِالْأَبِّ».

درحالی که روشن است اگر در مکه بود، مشرکین اسیر را زندانی می‌کردند.^۱ حال که مشخص شد مراد از اسیر مشرکان هستند، پس مشخص می‌شود که سوره مدنی است زیرا مسلمانان در دوران مکی در جنگ نبودند که اسیر بگیرند و نیرویی نداشتند که مشرکان را به اسارت بگیرند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۹، ص ۳۱۳).

۲- شأن نزول‌های سوره انسان

برای سوره انسان شأن نزول‌های مختلفی نقل شده که تمام آنها نشان‌دهنده مدنی بودن این سوره است. لکن به منظور نیل به سبب نزول صحیح آیه که ماجرای انفاق خانواده حضرت علی (ع) است، ابتدا شأن نزول‌های دیگر نقل و رد شده و سپس به بررسی و ذکر دلائل و قرائن صحت سبب نزول اهل بیت (ع) پرداخته خواهد شد.

۲-۱- شأن نزول دیگران

گفته شده که سبب نزول سوره ابادحداح انصاری می‌باشد. این ماجرا در تفسیر مقاتل آمده است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲۵). که دیگران از او نقل کرده‌اند. در نقد این سبب باید گفت که اولاً مقاتل سندی بر این روایتش نیاورده است و در نتیجه نقلی ضعیف است که سندش را به صحابی یا تابعی نمی‌رساند و شخص دیگری قبل از او این را نقل نکرده است (اقبال، ۱۳۹۱: ۱۳). دوم اینکه در تفسیر مقاتل آمده: نزلت فی أبی الدحداح الأنصاری، و يقال فی علی بن أبی طالب رضی الله عنه (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲۵)، که وقوع در مورد ابادحداح را خود مقاتل نیز شک دارد. در ضمن باید توجه داشت که به نقل تاریخ ابادحداح فرد ثروتمندی بوده است و تعبیر «علی حبه» در آیه که احتیاج به غذا را می‌رساند، برای او موضوعیتی ندارد زیرا نیازی به غذا

۱. اگر مشرکین اسیر را زندانی نکرده و به بردگی گرفته بودند، تعبیر «عبد» در مورد او می‌آمد، نه «اسیر».

نداشته و قادر به تهیه غذای دیگری بوده است. علاوه بر اینکه او یک نفر بوده درحالی که آیه به جمع اشاره می‌کند.

ماوردی به نقل از ضحاک از جابر نقل کرده که این سوره در مورد مطعم بن ورقاء انصاری نازل شده که نذری نموده و به آن وفا کرد (ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۸). اگر این شأن هم درست باشد فقط راجع به آیه هفتم است زیرا وی انفاقی به یتیم و اسیر و مسکین ننموده است. سند این نقل ناقص و ضعیف است علاوه بر اینکه مدحی بر او نیست زیرا افراد بسیاری نذر کرده و به آن وفا می‌نمایند و آیه‌ای در شأن آنها نازل نمی‌شود. روشن است که نذر خاص و وفای منحصر به فردی صورت گرفته که موجب نزول سوره شده است که تعبیر «علی حبه» به آن اشاره می‌نماید. ضمن اینکه آیه از جمع سخن می‌گوید ولی مطعم یک نفر است. گفته شده این سوره در مورد کسانی نازل شد که در جنگ بدر اسیران را به کفالت گرفتند و آنها عبارت بودند از: علی (ع)، زبیر، ابابکر، عمر، عبدالرحمن بن عوف، سعید و ابو عبیده (ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۷). ناگفته پیداست که این نقل نیز صحیح نیست. چه اینکه فقط سرپرستی گرفتن چند اسیر را ذکر کرده در حالی که سوره سخن از نذر دارد و اطعام به مسکین و یتیم را نیز عنوان کرده است که در اینجا خبری از این موارد نیست. دلیل دیگر در رد این سبب نزول، محاجه حضرت علی (ع) با ابابکر است که ضمن آن فرموده: *أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ أَنَا صَاحِبُ الْآيَةِ يُوفُونَ بِالَّذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا أَمْ أَنْتَ قَالَ بَلْ أَنْتَ* (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۵۰). اگر ابابکر خودش را سبب یا مصداق آیه می‌دانست، حتماً به آن استناد می‌کرد. عده‌ای نیز سبب نزول را ابن عمر^۱ معرفی کرده‌اند، (قرطبی،

۱. روی منصور عن الحسن: أن یتیمَا کان یحضر طعام ابن عمر، فدعا ذات یوم بطعامه، و طلب الیتیم فلم یجده، و جاء بعد ما فرغ ابن عمر من طعامه فلم یجد الطعام، فدعا له بسویق و عسل، فقال: دونک هذا، فوالله ما غنبت، →

۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۲۹)، (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۲۹۵) در صورتی که در ماجراهای مربوط به وی نه سخن از نزول آیه است و نه با مفاد آیات تطابقی وجود دارد. این اجتهاد قرطبی و ابن کثیر را نشان می‌دهد که واقعه‌ای را به سوره ربط می‌دهند.

مواردی را سیوطی ذیل این آیه آورده که مشخصاً نمی‌توانند ذیل سبب نزول آیه قرار بگیرند. به عنوان نمونه به نقل از ابن عباس آورده: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال اني نذرت أن أنحر نفسي فشغل النبي صلى الله عليه وسلم فذهب الرجل فوجد يرید أن ينحر نفسه فقال النبي صلى الله عليه وسلم الحمد لله الذي جعل في أمتي من يوفى بالندى و يخاف يوماً كان شره مستطيراً أهد مائة ناقة (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۸). روشن است که این روایت نمی‌تواند شأن نزول باشد چه اینکه پیامبر (ص) فقط آیه را تلاوت نموده است. مورد دیگر اتفاق ربیع است؛ سرية الربيع بن خيثم قالت كان الربيع يعجبه السكر يأكله فإذا جاء السائل ناوله فقلت ما يصنع بالسكر الخبز له خير قال اني سمعت الله يقول وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹) این نیز عمل کردن ربیع به آیه را نشان می‌دهد. زیرا آیه نازل شده و سپس وی به آن استناد کرده است در حالی سبب نزول باید قبل از نزول رخ داده باشد.

ماجرای دیگری که سیوطی ذیل این سوره آورده، وفات بنده‌ای سیاه بعد از توصیف پیامبر (ص) از بهشت و جهنم بر طبق سوره انسان است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج

° قال الحسن و ابن عمر: و الله ما غبن. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۲۹) و روی البيهقي من طريق الأعمش عن نافع قال: مرض ابن عمر فاشتهي عنبا أول ما جاء العنب فأرسلت صفيّة، يعني امرأته، فاشترت عنقودا بدرهم فاتبع الرسول سائل فلما دخل به قال السائل: السائل. فقال ابن عمر: أعطوه إياه فأعطوه إياه، فأرسلت بدرهم آخر فاشترت عنقودا فاتبع الرسول السائل، فلما دخل قال السائل: فقال ابن عمر: أعطوه إياه فأعطوه إياه، فأرسلت صفيّة إلى السائل فقالت و الله إن عدت لا تصيب منه خيرا أبدا، ثم أرسلت بدرهم آخر فاشترت به. (ابن کثیر،

۶: ۲۹۷). این مورد نیز نمی‌تواند سبب نزول این سوره باشد زیرا طبق نقل‌های متعدد (ن.ک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۷)، ابتدا پیامبر (ص) سوره را بر او قرائت نمود و سپس روح عبد از بدنش خارج شد. همانطور که بیان شد سبب نزول باید قبل از نزول اتفاق افتاده باشد و در شأن آن واقعه، آیاتی نازل شود. بنابراین وقایع رخ داده بعد از نزول را نمی‌توان ذیل سبب قرار داد. ابن کثیر نیز گفته روایت مرد حبشی مرسل و غریب است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۲۹۲).

به طور کلی باید گفت که سبب نزول‌های آمده از شهرت روایی برخوردار نیستند برخلاف سبب نزول اهل بیت (ع) که افراد مشهوری آن را نقل کرده‌اند (انواری، ۱۳۹۹: ۷۲). در این شأن نزول‌ها وفای به نذر در اطعام مسکین و اسیر و یتیم وجود ندارد و در هیچ کدام از این شأن نزول‌ها از اطعام با وجود نیازمندی به غذا، خبری نیست. در آیات آمده «و جزاهم بما صبروا» پس باید در شأن نزول صبر موضوعیت داشته باشد (میرزا، ۱۳۹۶: ۳۲). که فقط در شأن نزول اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد. نکته دیگر اینکه در اغلب این روایات نزول در مورد یک نفر است و این با جمع بودن ضمائر در آیات سازگار نیست.

۲-۲- شأن نزول اهل بیت

شیعه نزول این آیات را در مورد خانواده حضرت علی (ع) می‌داند. نقل‌های فراوانی روایت شده مبنی بر اینکه حسنین (ع) مریض شدند. به پیشنهاد حضرت رسول (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) و خادم ایشان فضه علیه الرحمة نذر کردند که اگر مریضان بهبود یابند، سه روز، روزه بگیرند. بعد از بهبودی کودکان، ایشان به نذر خود وفا کردند و روزه گرفتند. اما قبل از افطار سه مرتبه، مسکین و یتیم و اسیر به نزد ایشان آمده و ایشان علی رغم احتیاج به غذای خود، آن را به سائلان اطعام نمودند.

علاوه بر اینکه قریب به اتفاق مفسران شیعه این شأن نزول را پذیرفته و آن را نقل نموده‌اند، (کوفی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۱۹ تا ۵۲۹)، (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۱۱)، (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۷)، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۶۲)، عالمان بسیاری از اهل سنت نیز به این شأن نزول قائلند که از جمله می‌توان طبرانی (۲۰۰۸، ج ۶: ۴۰۵)، سمرقندی (۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۶)، ابن عطیه (۱۴۲۲، ج ۵: ۴۰۸)، ابن حیان (۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۶۲)، قشیری (۲۰۰۰، ج ۳: ۶۶۳)، حاکم حسکانی (۱۴۱۱، ج ۲: ۴۰۰ به بعد) و سیوطی (۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹) را نام برد. علامه امینی این سبب نزول را از ۳۴ تن از علمای اهل سنت نقل کرده و علامه شوشتری نیز این روایت را از ۷۵ کتاب روایی معتبر اهل سنت نقل نموده است (علاءالدین، ۱۳۹۵: ۱۶). حویزی نیز از افراد بسیاری در نقل این شأن نزول نام برده است؛ فی کِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرَآشُوبَ وَ رَوَى أَبُو صَالِحٍ وَ مُجَاهِدٌ وَ الضَّحَّاكُ وَ الْحَسَنُ وَ عَطَا وَ قَتَادَةُ وَ مُقَاتِلٌ وَ اللَّيْثُ وَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ وَ ابْنُ جُبَيْرٍ وَ عَمْرُو بْنُ شُعَيْبٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ مِهْرَانَ وَ النَّقَّاشُ وَ الْقَشِيرِيُّ وَ النَّعْلَبِيُّ وَ الْوَاحِدِيُّ فِي تَفْسِيرِهِمْ وَ صَاحِبُ أَسْبَابِ النُّزُولِ وَ الْخَطِيبُ الْمَكِّيُّ فِي الْأَرْبَعِينَ وَ أَبُو بَكْرٍ الشَّيرَازِيُّ فِي نَزُولِ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَشْهَبِيُّ فِي اعْتِقَادِ أَهْلِ السُّنَّةِ وَ أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ النَّحْوِيُّ فِي الْعُرُوسِ فِي الزُّهْدِ وَ رَوَى أَهْلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ وَ غَيْرِهِمْ... (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۴۷۱) که صادقی نقل این افراد را متواتر دانسته است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۹: ۳۱۲).

قابل ذکر است که در این روایات، اختلاف نقل‌هایی به چشم می‌خورد؛ از جمله اینکه در برخی آمده که حضرت علی (ع) افطار را با قرض از یهودی تدارک دید و در برخی دیگر آمده که به اجرت آبیاری یا پشم‌ریسی افطار را تهیه کردند (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۱). نوع غذا به اینکه حلوا باشد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۸) یا نان (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۱)

نیز مورد اختلاف است. در برخی نقل‌ها مواردی آمده که در دیگر نقل‌ها نیست مثلاً نزول مائده بعد از انفاق اهلی بیت (ع) (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۵). دیگر اینکه به استناد برخی روایات اطعام طی سه روز و بعد از سه افطار انجام شده (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۱۱)، ولی روایات دیگری اطعام مسکین و یتیم و اسیر را پشت سر هم و در یک روز را گزارش نموده‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۹). در مقاله «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»، این اختلافات و روایات هم به لحاظ سندی و هم به لحاظ محتوایی بررسی شده و نتیجه آمده که روایت اطعام در یک روز هم سند صحیح‌تری دارد و هم از لحاظ محتوایی موافق با عقل و دیگر قرائن است (عبداللهی‌عابد، ۱۳۸۷). به علت اینکه مقاله ذکر شده به تفصیل به این موضوع پرداخته، از بحث و بررسی این مسئله در این نوشتار خودداری می‌گردد. فقط به اختصار بیان می‌شود که برخی دلائل در تأیید این نتیجه یکی این است که غذای ایشان که به اندازه چند نفرشان بوده است برای یک نفر زیاد است بنابراین ایشان در یک مرحله غذایشان را به سه نفر داده‌اند. زیرا اطعام غذای چند نفر به یک نفر و محسور و گرسنه ماندن با آیه ۲۹ سوره اسری «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» که مکی است و قبل از این واقعه نازل شده، سازگار نیست درحالی که خاندان نبوت عامل‌ترین افراد به قرآن هستند. علاوه بر این در نقل اطعام در طی سه روز آمده که سه صاع داشتند و هر روز یک صاع را طبخ می‌کردند (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۱). اشکال برای این مطلب این است که می‌توانستند صاع بعدی را نان کنند نه اینکه گرسنه بمانند. در یکی از روایات آمده که صدقه در شب بیست و پنجم ذی‌الحجه بوده که سوره هل‌اتی در روز آن نازل گردید (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۶۲) که این نیز نشان می‌دهد که اطعام در یک شب انجام شده است.

به هر حال اصل قضیه ثابت شده است و اختلافات نقلی، وقوع جریان را رد نمی‌کند بلکه حتی می‌توان تواتری اجمالی را از این روایات برداشت کرد. علاوه بر نقل‌های مشهور و معتبر از این واقعه، تعبیرهای آمده در آیات سوره انسان نیز این سبب نزول را تأیید می‌نماید. در ادامه به بررسی این تعبیرات پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- علی حبه

تنها سبب نزولی که «حب طعام» در آن موضوعیت دارد، شأن نزول اهل بیت است. این یکی دیگر از قرینه‌ها برای اثبات این شأن نزول می‌باشد. زیرا همانطور که در روایات سبب نزول آمده، خانواده حضرت علی (ع) در عین اینکه حب و احتیاج به غذا داشتند، آن را انفاق نمودند. لکن گروهی برای انکار این فضیلت، مرجع ضمیر در «حبه» را خدا ذکر کرده‌اند. در ادامه به بررسی ضمیر «حبه» پرداخته می‌شود که به «طعام» برمی‌گردد یا به «خدا».

فخر رازی بیان کرده که در مورد این تعبیر دو وجه وجود دارد؛ اول اینکه به استناد آیه ۱۷۷ سوره بقره «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» و آیه ۹۲ سوره آل عمران «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» ضمیر در «حبه» به طعام برگردد. یعنی با وجود اشتها و حاجت به غذا آن را انفاق می‌کنند که خداوند ایشان به اینکه دیگران را (علی‌رغم احتیاج و کمبود خویش) بر خود مقدم می‌دارند، وصف نموده و فرموده: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، (حشر: ۹). دوم اینکه فضیل گفته مراد از این تعبیر، محبت ایشان نسبت به خدا است؛ «علی حب الله ای لحبهم لله» که در اینجا

۱. آلوسی نیز در اینکه مراد حب طعام باشد، به آیه ۹۲ سوره آل عمران «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»

استناد کرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۱)

«علی» به جای «لام» آمده است که استعمال این دو به جای یکدیگر معمول است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۷). روشن است که قول اول بر سخن فضیل به دلیل مجاز گرفتن حرف «علی»، ترجیح دارد. علاوه بر اینکه خود فخررازی دیدگاه خود را ابراز کرده و در ذیل آیه ۱۷۷ سوره بقره «ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»، آورده که معقول‌ترین تفسیر از این تعبیر حب مال است، همانگونه که در آیه ۸ سوره انسان، مراد حب طعام است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۱۵).

علاوه بر فخررازی، اغلب مفسران مراد از «علی حبه» را حب طعام و اشتها و احتیاج به آن دانسته‌اند؛ از جمله: امام باقر (ع) (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۶۰)، امام رضا (ع) (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۹۷)، مقاتل (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲۵)، طبری، مجاهد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۲۹)، واحدی، (۱۴۱۵، ج ۲: ۱۱۵۹)، زجاج، (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۴۰۷)، مجاهد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹)، سمرقندی (۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۶)، ابن عباس (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۶)، (ابن حیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۶۱)، ابن عاشور (۱۴۲۰، ج ۲۹: ۳۵۶).

گروهی دیگر مانند طبرانی (۲۰۰۸، ج ۶: ۴۰۳)، قشیری (۲۰۰۰، ج ۳: ۶۶۳)، (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۹۱)، علی رغم آوردن این تفسیر که «طعام» مورد محبت ابرار است، به عنوان نظر دیگر و با تعبیر «یقال»، «حب خدا» را ذکر کرده‌اند. اینکه ایشان «حب الله» را به عنوان نظر دوم و باید تعبیر «قیل» یا «یقال» آورده‌اند، قابل تأمل بوده و ممکن است که نظر اصلی ایشان، دیدگاه اول باشد و دیدگاه دوم را از جهت ذکر دیگر اقوال آورده باشند. مثلاً ابن کثیر صریحاً علی‌رغم ذکر این دو نظر، حب طعام را اختیار کرده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۲۹۵).

البته کسانی مثل داری گفته‌اند مراد حب الله است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۶). هم‌چنین در حالی که حقی برسوی بیان کرده اینکه مراد حب خدا باشد با سیاق آیات

و تعبیر «لوجه الله» سازگارتر است،^۱ (حقی برسوی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۲۶۵) علامه عکس این نظر را اعتقاد دارد و بیان کرده که با وجود تعبیر «وجه الله» دیگر نیازی نیست که مرجع ضمیر «حبه» خداوند باشد بلکه با موید آیه ۹۲ سوره آل عمران، مرجع ضمیر، «طعام» بوده و مراد از این تعبیر شدت احتیاج به غذا می باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۶). روشن است که استدلال علامه منطقی تر می نماید. قرینه بر تأیید اینکه مراد آیه حب طعام است، نقل سیوطی از کنیز ربیع بن خثیم می باشد که گفته: خثیم شکر دوست داشت و هنگامی که سائلی نزد او می آمد به او شکر می داد. به او گفتم با شکر چه کند؟ نان برای او بهتر است. می گفت: من سخن خدا شنیده ام که می فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۹). این نشان از این دارد مراد آیه حب خدا نیست. البته قابل ذکر است که طبق شأن نزول، حب غذا در آیه به معنای دوست داشتن غذای خاصی نیست بلکه مراد احتیاج به غذا است.

ابن عطیه این گونه استدلال کرده که اگر مراد از آیه، حب طعام باشد نه حب خدا، ممدوح تر است زیرا انفاق غذا علی رغم حب به آن فداکاری و برگزیدن دیگران را بر خود می رساند. لکن اطعام غذا برای حب خدا را اکثر اغنیاء انجام می دهند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۴۱۰).

بنابر اینکه روشن شد منظور آیه حب غذا و احتیاج به آن است، نمی توان گفت که طعام در اینجا کنایه از هر احسانی است. همانطور که قرطبی به نقل از فضیل آورده که مراد حب اطعام طعام است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۲۸)، پاسخ به این اشکال در ادامه مقاله خواهد آمد ولی به طور کلی باید گفت قائلان این نظریه می خواهند با این

۱. این در حالی است که وی در ذیل آیه ۱۷۷ سوره بقره «آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» مرجع ضمیر حب را مال دانسته است. (حقی برسوی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۸۲) این تناقض تفسیر ذیل دو آیه مشابه، قابل تأمل است.

دیدگاه، سبب نزول آیه را منکر شوند و مراد آیه را هر احسان و هر نوع انفاقی اعم از طعام بیان کنند.

۲-۲-۲- نذر

بررسی معنای نذر از آن جهت اهمیت دارد که روشن شود منظور آیه از نذر و وفای به آن چیست. توضیح بیشتر اینکه فقط در سبب نزول مربوط به اهل بیت (ع)، بحث نذر کردن آمده است و اگر بتوان آن را بر آیه تطبیق داد، صحت این شأن احراز می‌گردد. نذر هر عملی است که انسان بر خودش واجب می‌گرداند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۲۹). وفای به نذر یعنی کسی برای خدا نذری کند و هنگامی که خداوند حاجتش را قضا کرد، به نذر خود با خدا وفا کند. (ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲۴). مراد از تعبیر «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» وفا کردن به عهد و سوگند با خدا است (دینوری، ۱۴۲۴، ج ۲: ۴۵۹). به نقل مجاهد و عکرمه منظور آیه این است که اگر ابرار در طاعت خدا نذری نمودند، به آن وفا می‌کنند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۶)، (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۱)

البته مفسرانی وفای به نذر را در این آیه را به موارد دیگری تأویل کرده‌اند؛ برخی بر این عقیده‌اند که مراد از نذر، عهد بوده و به استناد آیه ۴۰ سوره بقره «أَوْفُوا بِعَهْدِي»، مراد از وفا به نذر، انجام هر چیزی است که خداوند آن را واجب گردانده (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۱۰: ۳۶۲) و در همین راستا برخی گفته‌اند، مراد اتمام فرائض است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۶). در پاسخ باید گفت نذر در آیه به معنای معروف آن است و قرینه و دلیلی بر گرفتن آن به خلاف ظاهر آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۶).

فخررازی گفته نذر در شرع به این اختصاص دارد که کسی بگوید برای خدا بر من فلان عمل است و آن را به امری که از خدا درخواست دارد، وابسته کند (فخررازی،

۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۵). وی در شرح آیه، سخن اَصَم را نیکو می‌داند که آیه در مقام اغراق در توصیف ابرار به اداء کامل و تمام در انجام واجبات است. بدین شرح که کسی که به آنچه بر خود واجب کرده، وفا کند به آن چه که خدا بر او واجب کرده، وفادارتر است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۵). قابل ذکر است که این برداشت، منافاتی با اینکه مراد آیه، نذر اصطلاحی است، نداشته بلکه تأیید آن نیز می‌باشد. زیرا ضمن آن بیان شده فرد چیزی را بر خود واجب می‌کند که قاعدتاً قبلاً بر او فریضه نبوده است و براین اساس مشخص می‌شود که مراد نذر اصطلاحی است نه طاعاتی که خداوند بر مسلمانان واجب گردانیده است.

بنابراین نذر مصطلح در آیه مراد بوده و این با ماجرای شأن نزول در مورد اهل بیت مطابق است. در صورتی که انجام تکالیف منظور آیه باشد، مصداق آن شامل تمام مسلمین می‌شود. در حالی که روشن است مدح ابرار در این سوره مختص به تمام مسلمانانی که به وظایف شرعی خود عمل می‌کنند، نیست.

۲-۲-۳- شبهه‌های وارده بر شأن نزول اهل بیت

منکران فضائل اهل بیت (ع)، علاوه بر اینکه در رد و نقد شأن نزول خانواده اهل بیت (ع) سوره را مکی دانسته‌اند، ایراداتی به این ماجرا وارد کرده‌اند که قابل نقد است. از مهم‌ترین آنها، نقدهای فخررازی و قرطبی است که در ادامه به بررسی و رد این شبهه‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳-۱- اشکالات فخررازی

فخر رازی، مفسر کبیر کتاب التفسیر الکبیر، به قابل نقد و خدشه‌دار بودن شأن نزول‌های دیگر ملتفت بوده و به همین دلیل آنها را نقل نکرده است. بلکه با وارد کردن شبهاتی و

عام دانستن آیه، سعی بر انکار فضیلت اهل بیت دارد. وی به این ماجرا، چند مورد ایراد وارد کرده که در ادامه به بررسی و رد و پاسخ به آنها پرداخته می‌شود. کل سوره نظم و سیاق واحدی دارد و آن ذکر تمام شاکران است. بنابراین اگر آن به یک شخص اختصاص داده شود، نظم سوره مختل می‌گردد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۷). در شأن نزول‌های روایت شده، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) و خادمه ایشان نذر و سپس به آن عمل کردند و آیات نیز به تناسب ایشان جمع را ذکر کرده است. ضمن اینکه حتی اگر شأن نزول این آیات، فقط حضرت علی (ع) معرفی شده بود، با مذهب فخر تناقضی نداشت همانگونه در تعبیر عام و جمع که در جاهای دیگر قرآن آمده، مراد را یک نفر دانسته است؛ از جمله در آیه ۸ سوره منافقون که با اینکه تعبیر «یقولون» آمده مراد از آن را عبدالله بن ابی گفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۵۴۸).

افرادی که در سوره ذکر شده‌اند، با صیغه جمع آمده‌اند (مانند یشربون، یوفون، یطعمون و ...) و تخصیص آن به افراد معین، خلاف ظاهر است. البته داخل بودن حضرت علی در این گروه مورد انکار نیست ولی دیگر افراد متقی از صحابه و تابعان نیز در اینگونه آیات شرح مطیعان وارد هستند. پس در اینجا دلیلی برای تخصیص باقی نمی‌ماند مگر اینکه گفته شود این سوره حین طاعت خاصی از حضرت علی نازل شده است. با این حال نیز در اصول فقه ثابت شده که اعتبار به عموم لفظ است نه خصوص سبب (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۷).

در مورد بخش اول این ایراد باید گفت در این آیه جمع بودن صیغه‌ها، به دلیل جمع بودن افراد در واقعه است، نه اینکه از آیه برداشت عام بودن شود. باید مورد توجه باشد که این آیات در صدد ذکر داستانی فرضی و ذکر آثار آن نیست بلکه اسلوب این آیات قصه‌ای است که در آن مومنانی را با وصف ابرار نام نهاده و از برخی اعمال

ایشان را که وفای به نذر و اطعام مسکین و یتیم و اسیر است، خبر داده و ایشان را مدح نموده و وعده‌های خوش به آنها می‌دهد. این آیات داستانی به سبب نزولی که برای آن ذکر شده، اشاره دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۷). بنابراین آیه به داستانی خارجی^۱ و واقع شده^۲ اشاره دارد نه اینکه منظورش قضیه حقیقه^۳ و مفروض باشد. این دیدگاه که ابرار باید جمع باشند، مورد پذیرش است، اما نمی‌توان گفت مستندی برای دخول افراد دیگر، به جز اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛ بلکه به این دلیل ابرار به صورت جمع ذکر شده که شمولیت آیه بر اهل بیت را نشان دهد (درآباد و خداپرست، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

اینکه فخر گفته آیه عام است مگر اینکه حین طاعت خاصی از حضرت علی (ع) نازل شده باشد، باید گفت که شهرت روایات نزول این آیات در مورد خانواده امیرالمومنین (ع) قابل انکار نیست. همانطور که خود فخر نیز به این سبب نزول اشاره کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۶). اما از آنجایی که وی به این نکته واقف بوده، این مورد را نیز با دستاویزی به قاعده «العبره» مورد خدشه قرار داده تا هیچ فضیلت خاصی را بر حضرت علی (ع) قائل نباشد. باید گفت که مجرای این قاعده در

۱. قضیه خارجی به قضایایی که گفته می‌شود که حکم بر افراد و موجودات خارجی مشخص و محدود رانده شده است.

۲. قضیه فی الواقع اشاره به این دارد که حکم در قضیه‌ای مخصوص همان قضیه است و قابل تعمیم به قضایای مشابه نیست.

۳. قضیه حقیقه به قضایایی طلاق می‌گردد که موضوع آنها اعم است از اینکه افراد مصداق آن، تحقق یافته باشند یا مقدر بوده و در آینده قابل تحقق باشند. به عبارت دیگر تفاوت قضیه حقیقه و خارجی در این است که در قضیه خارجی، ابتدا افراد معین و محدودی به عنوان موضوع قضیه در نظر گرفته می‌شود و سپس بر این افراد حکم می‌شود ولی در قضیه حقیقه حکم بر افراد نیست بلکه بر عنوان کلی حکم رانده می‌شود. در مقابل قضیه حقیقه که عمومیت را می‌رساند، در قضیه خارجی حکم بر افراد عینی خارجی و محدود می‌شود.

جایی است که لفظ عام و سبب خاص باشد لکن در مواردی که قضیه خارجیه [واقعه معینی که در خارج اتفاق افتاده] است و لفظ عام عنوانی است که با آن به مورد خاصی که در زمان نزول آیه وجود داشته، اشاره شده، قاعده «العبرة» اجرا نمی‌شود. چرا که در این موارد مفهوم عامی وجود ندارد تا به استناد این قاعده که سبب نزول، مخصص نمی‌باشد، آن را به همه افراد تعمیم داد. به عبارتی لفظ عام در معنای خاص اراده شده و عموم لفظ ظاهری می‌باشد نه حقیقی. (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۶) از طرفی باید گفت که این آیه جزء آیات تاریخی است و در سطح تفسیر تاریخی، تعمیم و اجرای قاعده العبرة ممکن نیست (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). بدین شرح که یک واقعه تاریخی تنها یک مصداق دارد و نمی‌توان آن را تعمیم داد. اینکه گروهی نذر نموده و به نذر خود وفا نموده و روزه بگیرند و افطارشان را به درخواست مسکین و یتیم و اسیر به ایشان اطعام کنند، تنها یک مصداق داشته است و به سخن انواری یک واقعه تاریخی تنها یک مصداق دارد هر چند برداشت‌های متعددی از آن صورت گیرد زیرا تعمیم یک آیه تاریخی در همان ماهیت تاریخی امکان ندارد (انواری، ۱۳۹۹: ۷۱).

مسأله بعد اینکه کسانی که می‌گویند این آیه مختص حضرت علی است، قائلند که مراد از آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» حضرت علی است که مسکین و یتیم و اسیر را اطعام کرد. اما کسانی که می‌گویند آیه عام است و در مورد همه ابرار می‌باشد، قائلند که اطعام طعام کنایه از احسان به محتاجان است به هر صورتی که باشد نه فقط با طعام دادن. دلیل اینکه در آیه اطعام آمده این است که بهترین نوع احسان، غذا دادن است که قوام بدن و حیات به آن استوار می‌باشد. وی دلیل بر این مدعا را این آورده که معمولاً از تمام منافع به خوردن تعبیر می‌شود و

آیاتی از قرآن را برای نمونه ذکر کرده است. مثلاً در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا»، (نساء: ۱۰) مراد خوردن نیست و مصرف و تلف نمودن اموال یتیمان مدنظر است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۴۷). در رد این مطلب باید گفت که علی رغم اینکه خوردن می تواند کنایه از مصرف کردن باشد اما دلیل بر این نیست که در اینجا این معنا مراد آیه گرفته شود. توضیح بیشتر اینکه اصل در معنای واژگان، حقیقت آنهاست و پذیرفتن معنای کنایی مستلزم وجود قرینه است. بنابراین که «طعام» در لغت به معنای هر آنچه خوردنی باشد، است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۹۷۴) و اینکه هر جا در قرآن این واژه آمده به معنای اصلی آن می باشد، در این جا نیز دلیلی بر اعراض نیست. قرینه ای در آیه و غیر آن وجود ندارد که لفظ طعام را به معنایی غیر از خودش نسبت داده و به اصطلاح آن را مجاز کل به جزء دانست. علامه طباطبایی نیز به این نکته اشاره کرده و گفته ظاهر رجوع ضمیر به طعام است و نیازی به تکلف و تفسیر برخلاف ظاهر نیست و این نظر ضعیفی است زیرا حب اطعام فضیلتی ندارد که سبب مدح شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۱۲۶). آلوسی نیز اطعام طعام در این آیه را حقیقی دانسته و کنایی بودن آن را رد کرده است^۱ (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۱). ضمن اینکه اگر این معنا مراد آیه بود، عبارت به صورت «يعطون الطعام» می آمد، نه «يطعمون الطعام». بر این اساس دیدگاه این گروه نیز درباره کنایی بودن معنای اطعام نادرست بوده و پذیرفتنی نیست.

۱. تفسیر آلوسی از طعام و اسیر و تعبیر «علی حبه» مانند شیعه است. وی همچنین گفته به احترام حضرت زهرا سلام الله علیها در سوره دهر سخنی از حورالعین نیست (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴) اما صریحاً موضع خود را مشخص نکرده و در مورد تردیدش بیان کرده در مکی و مدنی بودن سوره اختلاف هست و نمی توان یکی را ترجیح داد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۷۴)

۲-۲-۳-۲- نقد‌های قرطبی

قرطبی گفته آیه عام است و در مورد همه ابرار نازل شده است.^۱ وی روایتی را که نقاش و ثعلبی و قشیری و دیگران از ابن عباس در مورد سبب نزول آیه در مورد اهل بیت ذکر کرده‌اند، صحیح و ثابت ندانسته و اشکال ترمذی را بدین شرح نقل کرده که این روایت ساختگی بوده و علاوه بر اینکه مدحی ندارد، ذم این افراد نیز می‌باشد. زیرا به استناد آیه ۲۱۹ سوره بقره «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ»، اتفاق باید از زیادی مصارف شخص و خانواده‌اش باشد. هم‌چنین از پیامبر (ص) نقل شده «خير الصدقة ما كان عن ظهر غني»، بهترین صدقه آن است که از روی بی‌نیازی باشد» و روایات دیگری که بیان می‌کند که نفقه عیال واجب است. آیا حضرت علی (ع) به این موارد آگاهی نداشت که چند روز فرزندان خردسال خود را گرسنه نگه داشت؟ وی سپس به اشعاری که در برخی از نقل‌های این روایات آمده اشکال وارد کرده است و گفته چه کسی در آنجا این اشعار را شنیده و حفظ نموده است؟ (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۳۱-۱۳۵). باید گفت این ادعا که آیه عام است، مردود و قابل‌خنده است. ذکر سه عنوان یتیم و مسکین و اسیر و عدم ذکر افراد و موارد دیگر مانند «غارمین» یا «فی سبیل» یا «ذوی‌القربی» دلیل بر خاص بودن موضوع و دلیل و قرینه‌ای بر وجود سبب نزول است. اگر هم گفته شود که مثلاً عنوان «مسکین» بر تمام عناوین و نیازمندان صدق می‌کند باید گفت پس چرا عنوان یتیم و اسیر نیز آمده و چرا در آیه صدقات عناوین دیگر نیز آمده است؟ بنابراین ماجرای خاص مدنظر است که مدح آیه را به دنبال دارد. در مورد اتفاق در بی‌نیازی باید توجه شود که «عفو» همیشه زیادی مال نیست. گاهی عفو به معنای برگزیده و خالص چیزی است (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۹۳۸).

۱. غافل از اینکه طبق روایت امام حسن علیه‌السلام هر کجا در قرآن لفظ ابرار آمده مراد حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین علیهم‌السلام هستند. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۵۳۳)

مرحوم مصطفوی بیان کرده که اصل این ماده صرف نظر کردن از چیزی است که مقتضی توجه باشد. یکی از مصادیق این ماده، صرف نظر کردن از چیزی است که تعلق به آن باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸: ۲۲۲). بنابراین اهل بیت (ع) از مال پاک و خالص خود رفع تعلق نموده و آن را انفاق کردند که این عمل مستوجب مدح خداوند شده است. در مورد روایت پیامبر (ص) که به آن استناد شده، باید به سبب صدور و منظور از آن توجه داشت. شاید مراد صدقه مفروض بوده که در صورت غنی واجب می‌شود نه اینکه هر انفاق دیگری مراد باشد. در اینصورت موضوع دو بحث یکی نیست که با هم مقایسه شوند و تعارض داشته باشند. مطلب دیگر تعبیر «علی حبه» بود که معنای آن بیان شد. صریح آیه مدح به دلیل صدقه‌ای است که علی رغم احتیاج به آن، داده شده است. چطور ممکن است آیه‌ای با آیه دیگر یا روایتی ناسازگار باشد؟ علاوه بر اینکه آیه نهم سوره حشر^۱ نیز انفاق ضمن احتیاج را مدح نموده است. در اینجا که مدح بیشتری را می‌طلبید زیرا به گفته انواری در در مورد سبب نزول آیه نهم سوره حشر آمده مرد انصاری فرزندانش را خواب کرد ولی در نقلها آمده که فرزندان حضرت زهرا خودشان داوطلبانه اطعام نمودند (انواری، ۱۳۹۹: ۷۷).

دیگر اینکه در برخی روایات آمده بود که انفاق بر سه نفر در یک شب صورت گرفته است و براین اساس فرزندان تنها یک شب گرسنه خوابیدند. در مورد اشعار نیز باید گفت که اولاً برخی از این روایات از خود حضرت علی (ع) نقل شده است و خود ایشان چون در ماجرا بودند، این اشعار را حفظ و نقل کرده‌اند. حتی اگر به عدم فصاحت این اشعار بدیهی اشکال شود، می‌توان به نقل‌های مشهوری که فاقد این اشعار هستند، استناد نمود.

۱. «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»

نتایج

سوره انسان به اعتبار روایات مکی و مدنی سوره‌ها و شأن نزول خاص آن، مدنی است. البته روایاتی در مکی بودن سوره وارد شده که به علل مختلفی قابل پذیرش نمی‌باشند؛ از جمله: ضعف سندی. عداوت راوی آنها با اهل بیت و انکار شأن نزول مدنی سوره. تناقض در روایات نقل شده از یک نفر، بدین شرح که هم مکی بودن سوره از او نقل شده و هم مدنی بودن. تناقض در سخن مفسرانی که از یک طرف سوره را مکی دانسته و از طرف دیگر سبب نزول مدنی بر آن ذکر کرده‌اند. نقد و رد استدلال‌های کسانی که به لحاظ محتوایی سوره را مکی معرفی کرده‌اند. یکی از قرائن مهم در مدنی بودن سوره انسان، تعبیر «اسیر» در آن است. ثابت شد که مراد از آن اسیر کافر است و به دلیل اینکه در دوران مکی مسلمانان قادر به اخذ اسیر نبوده‌اند پس سوره مدنی است.

تمام شأن نزول‌هایی که برای این سوره نقل شده مدنی هستند لکن به جز شأن نزول در مورد خانواده حضرت علی (ع)، همه آنها با نقد و چالش‌های جدی روبرو و غیرقابل پذیرش هستند. از جمله اینکه در اکثر آنها روایت در مورد یک نفر است درحالی که سوره به جمع اشاره می‌کند. سند این روایات ضعیف و ناقص بوده و شماری از آنها اصلاً ربطی به سوره ندارند. همچنین اینکه جزئیات آمده در سوره، در هیچ‌کدام از وقایع نقل شده، دیده نمی‌شود. بنابراین فقط شأن نزول اهل بیت باقی می‌ماند که علاوه بر اینکه برخی روایات آن دارای اسناد صحیحی است با سیاق و تعبیرات آمده در سوره نیز سازگار می‌باشد. بدین شرح که ضمیر «حبه» در آیه به طعام برگشته و معنای آیه انفاق علی‌رغم احتیاج به غذا است که ماجرای اهل بیت با آن منطبق است. همچنین نذر ذکر شده در سوره فقط در شأن نزول مربوط به اهل بیت (ع) موضوعیت داشت.

به داستان انفاق اهل بیت و نزول آیاتی در مدح آن اشکالاتی وارد شده است که قابل پاسخ بوده و مردود می‌باشند. از جمله نقدهای فخر رازی و قرطبی و ترمذی است. در نقد ایرادات ایشان باید گفت که براساس دلائل متعدد، آیات به جمع خاصی و قضیه‌ای خارجی اشاره می‌کند که عبارتند از خانواده حضرت علی (ع). بنابراین نمی‌توان آیه را عام و مصداق قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» دانست. دیگر اینکه مراد از اطعام طعام، انفاق غذا است و تفسیر به کنایی بودن آیه و هر نوع انفاقی بودن، بدون دلیل و براساس استدلالات کلامی، مردود است. مطلب دیگر اینکه انفاق علی رغم احتیاج، نه تنها مردود و با روایات و آیات مخالف نیست بلکه ممدوح و موافق با مضامین سوره‌ها است.

منابع

قرآن کریم

ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
ابن حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، البحر المحيط فی التفسیر، محقق: جمیل، صدقی محمد، بیروت: دارالفکر.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
ابن عطیة، عبدالحق بن الغالب (۱۴۲۲)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، محقق: محمد، عبدالسلام عبدالشافی، گردآورنده: طلبه، جمال، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

بررسی تحلیلی - مصداقی سبب نزول آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسان / رضیه فرهانیان ۲۹۳

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، محقق: شمس الدین، محمد حسین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

احمدی، محمدحسن (۱۳۹۳)، تحلیلی بر تفسیر آیات تاریخی با تأکید بر قاعده العبرة، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۷-۱۴۰.

اقبال، ابراهیم (۱۳۹۱)، سوره انسان و اهل بیت، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و پنجم، شماره ۲، صص ۱-۱۸.

انواری، جعفر (۱۳۹۹)، شبهات سبب نزول آیه هشتم سوره انسان در بوته نقد، دوفصلنامه شبهه پژوهی مطالعات قرآنی، سال دوم، شماره دوم، شماره ۳، صص ۶۳-۸۵.

ایمانی، مریم؛ خطی دیزآبادی، زینب (۱۳۸۶)، نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازلۀ در شأن ائمه ((ع))، نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره ۷، صص ۵۵-۸۰.

آلوسی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر قرآن العظیم و السبع المثانی، گردآورنده: شمس الدین، سناء بزيع، گردآورنده: شمس الدین، ابراهیم، محقق: عبدالباری عطیه، علی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵)، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، محقق: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الاسلامیة. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰)، معالم التنزیل، محقق: مهدی، عبد الرزاق، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، محقق: مرعشلی، محمد عبدالرحمن، بیروت: دار احياء التراث العربی.

بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت: دارالکتب الاسلامیة.

تعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲)، الكشف و البیان، محقق: ابن عاشور، ابی محمد، مراجعه و تدقیق: ساعدی، نظیر، بیروت: دار احياء التراث العربی.

۲۹۴ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۳۰)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، مصحح: شکور، محمد ادیب، محقق: فرحات، طلعت صلاح، عمان: دارالفکر.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، بیروت: دارالعلم للملایین.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق: محمودی، محمدباقر، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۱۴)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.

حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان. دژآباد، حامد، خداپرست، اعظم (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی آیه هشتم سوره انسان از دیدگاه فریقین، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۰۹-۱۳۴.

دینوری، عبدالله بن عمر (۱۴۲۴)، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجه التأویل، مصحح: حسین احمد، مصطفی، بیروت: دارالکتاب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶)، بحر العلوم، محقق: عمروی، عمر، بیروت: دارالفکر.

سید، قطب (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی (ره).

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.

صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱)، تفسیر القرآن العزیز، بیروت: دار المعرفة.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد: دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله،

رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو.

بررسی تحلیلی - مصداقی سبب نزول آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسان / رضیه فرهانیان ۲۹۵

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۴)، تفسیر سورة هل أتى، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات.
- عبداللهی عابد، صمد (۱۳۸۷)، بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان، علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۸۸-۱۱۰.
- علاءالدین، سیدمحمد رضا (۱۳۹۵)، رفتارشناسی خانواده قرآنی در سوره انسان، نشریه قرآنی کوثر، شماره ۵۸، صص ۵-۲۲.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، مقدمه و تصحیح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰)، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، محقق: بسیونی، ابراهیم، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، محقق: موسوی جزایری، طیب، قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، محقق: غفاری علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰)، تفسیر فرات الکوفی، محقق: کاظم، محمد، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
- ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶)، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، محقق: باسلوم، مجدی، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، مراجعه و تعلیق: عبدالرحیم، سید بن عبدالمقصود، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۲۹۶ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
میرزا، عبدالهاشم (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی شأن نزول آیات اطعام (۲۲-۵ سوره انسان) از دیدگاه مفسران فریقین، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره ۸، صص ۲۴-۴۳.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، محقق: داودی، صفوان عدنان، بیروت: دارالقلم.

References

Holy Quran

- Ibn Abi Zaminin, Muhammad bin Abdullah, 2003 (1424 AH), *Tafsir Ibn Abi Zaminin*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Ibn Babuyah, Muhammad bin Ali, 1983 (1362 AH), *Al-Khisal*, Corrected by: Ghafari, Ali Akbar, Qom: Jamiat al-Mudarrisin. [In Arabic]
- Ibn Hayyan, Muhammad bin Yusuf, 1999 (1420 AH), *Al-Bahr Al-Muhit fi Al-Tafsir*, Edited by: Jamil, Sidqi Muhammad, Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Duraid, Muhammad bin Hassan, 1988, *Jamharat al-Lughah*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
- Ibn Sulaiman, Muqatil, 2002 (1423 AH), *Tafsir Muqatil bin Sulaiman*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, 1999 (1420 AH), *Al-Tahrir wa al-Tanwir*, Beirut: Arab History Institute. [In Arabic]
- Ibn Atiyah, Abdul Haqq bin Ghalib, 2001 (1422 AH), *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Edited by: Muhammad, Abdul Salam Abdul Shafi, Compiled by: Talib, Jamal, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail bin Umar, 1998 (1419 AH), *Tafsir al-Quran al-Azim*, Edited by: Shams al-Din, Muhammad Hussein, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Ahmadi, Mohammad Hassan, 2014 (1393 AH), *An Analysis of the Interpretation of Historical Verses with Emphasis on the Rule of Ibra*, Tafsir Studies Quarterly, Volume 5, Issue 19, pp. 127-140. [In Persian]
- Iqbal, Ibrahim, 2012 (1391 AH), *Surah Insan and Ahlul Bayt*, Journal of Quran and Hadith Studies, Volume 45, Issue 2, pp. 1-18. [In Persian]

- Anwari, Jafar, 2020 (1399 AH), *Critique of the Causes of Revelation of the Eighth Verse of Surah Insan*, Semi-Annual Journal of Quranic Studies, Volume 2, Issue 2, Issue 3, pp. 63-85. [In Persian]
- Imani, Maryam; Khatibi Dizabadi, Zeinab, 2007 (1386 AH), *Critique and Review of Sayyid Qutb's Views on the Verses Revealed about the Imams (AS)*, Journal of Quran and Hadith Sciences Research, Volume 4, Issue 7, pp. 55-80. [In Persian]
- Alusi, Muhammad bin Abdullah, 1994 (1415 AH), *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani*, Compiled by: Shams al-Din, Sanaa Bazi', Compiled by: Shams al-Din, Ibrahim, Edited by: Abdul Bari Atiya, Ali, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Bahrani, Hashim bin Suleiman, 1994 (1415 AH), *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran*, Edited by: Ba'athat Foundation, Islamic Research Unit, Qom: Al-Ba'thah Institute, Islamic Studies Department. [In Arabic]
- Barqi, Ahmad bin Muhammad, 1992 (1371 AH), *Al-Mahasn*, Edited by: Muhaddith, Jalal al-Din, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Baghawi, Hussein bin Masoud, 1999 (1420 AH), *Ma'alim al-Tanzil*, Edited by: Mahdi, Abdul Razaq, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Baydawi, Abdullah bin Umar, 1997 (1418 AH), *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*, Edited by: Mar'ashli, Muhammad Abdul Rahman, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Bayhaqi, Ahmad bin Hussein, 1985 (1405 AH), *Dala'il al-Nubuwwah wa Ma'rifat Ahwal Sahib al-Shari'ah*, Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Tha'labi, Ahmad bin Muhammad, 2001 (1422 AH), *Al-Kashf wa al-Bayan*, Edited by: Ibn Ashur, Abi Muhammad, Reviewed and Verified by: Sa'idi, Nazeer, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Jurjani, Abdul Qahir bin Abdul Rahman, 2009 (1430 AH), *Darj al-Durr fi Tafsir al-Quran al-Azim*, Corrected by: Shakur, Muhammad Adeeb, Edited by: Farhat, Talat Salah, Amman: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Jawhari, Ismail bin Hammad, 1997 (1376 AH), *Al-Sihah*, Corrected by: Attar, Ahmed Abdul Ghafoor, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
- Haskani, Ubaidullah bin Abdullah, 1990 (1411 AH), *Shawahid al-Tanzil li-Qawa'id al-Tafdhil*, Edited by: Mahmudi, Muhammad Baqir, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Haqqi Bursawi, Ismail bin Mustafa, 1993 (1414 AH), *Tafsir Ruh al-Bayan*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Huwaizi, Abdul Ali bin Jum'a, 1994 (1415 AH), *Tafsir Nur al-Thaqalayn*, Corrected by: Rasuli, Hashim, Qom: Ismailian. [In Arabic]
- Dezhabad, Hamed; Khodaparast, Azam, 2014 (1393 AH), *Comparative Study of the Eighth Verse of Surah Insan from the Viewpoint of Both Sects*, Mashreq-e Mou'ud Quarterly, Volume 8, Issue 30, pp. 109-134. [In Persian]

- Dinawari, Abdullah bin Umar, 2003 (1424 AH), *Tafsir Ibn Wahb known as Al-Wadih fi Tafsir al-Quran al-Karim*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, 1986 (1407 AH), *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa Uyoon al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil*, Corrected by: Hussein Ahmed, Mustafa, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, 1995 (1416 AH), *Bahr al-Uloom*, Edited by: Amrawi, Omar, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Sayyid Qutb, 2004 (1425 AH), *Fi Zilal al-Quran*, Beirut: Dar al-Shorouq. [In Arabic]
- Suyuti, Abdul Rahman bin Abu Bakr, 1984 (1404 AH), *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bil-Ma'thur*, Qom: General Library of Ayatollah Mar'ashi (RA). [In Arabic]
- Sadeqi Tehrani, Muhammad, 1986 (1406 AH), *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bil-Quran wal-Sunnah*, Qom: Islamic Culture. [In Arabic]
- San'ani, Abdul Razaq bin Hammam, 1990 (1411 AH), *Tafsir al-Quran al-Aziz*, Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Hussein, 1970 (1390 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Al-A'lami Institute for Publications. [In Arabic]
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad, 2008, *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azim*, Irbid: Dar al-Kitab al-Thaqafi. [In Arabic]
- Tabarsi, Fadl bin Hassan, 1993 (1372 AH), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Corrected by: Yazdi Tabataba'i, Fadlallah, Rasuli, Hashim, Tehran: Nasir Khusraw. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad bin Jarir, 1992 (1412 AH), *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin Hassan, Undated, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Corrected by: Amili, Ahmad Habib, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Amili, Sayyid Jafar Murtadha, 2003 (1424 AH), *Tafsir Surah Hal Ata*, Beirut: Islamic Center for Studies. [In Arabic]
- Abdullahi Abid, Samad, 2008 (1387 AH), *Study of Narrations on the Virtue of Ahlul Bayt (AS) in Surah Insan*, Hadith Sciences, Volume 13, Issues 49 and 50, pp. 88-110. [In Persian]
- Alaa al-Din, Sayyid Muhammad Reza, 2016 (1395 AH), *Behavioral Analysis of the Quranic Family in Surah Insan*, Koothar Quranic Journal, Issue 58, pp. 5-22. [In Persian]
- Fakhr al-Razi, Muhammad bin Umar, 1999 (1420 AH), *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Fayz Kashani, Muhammad bin Shah Murtadha, 1994 (1415 AH), *Tafsir al-Safi*, Introduction and Correction by: Alami, Hussein, Tehran: Maktabat al-Sadr. [In Arabic]
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, 1985 (1364 AH), *Al-Jami' li-Ahkam al-Quran*, Tehran: Nasir Khusraw. [In Arabic]

- Qushayri, Abdul Karim bin Hawazin, 2000, *Lata'if al-Isharat: A Complete Sufi Interpretation of the Holy Quran*, Edited by: Basyuni, Ibrahim, Cairo: Egyptian General Book Organization. [In Arabic]
- Qummi, Ali bin Ibrahim, 1984 (1363 AH), *Tafsir al-Qummi*, Edited by: Mousavi Jazayeri, Tayyib, Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, 1987 (1407 AH), *Al-Kafi*, Edited by: Ghafari, Ali Akbar, Akhundi, Muhammad, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Kufi, Furat bin Ibrahim, 1990 (1410 AH), *Tafsir Furat al-Kufi*, Edited by: Kazim, Muhammad, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Institute. [In Arabic]
- Maturidi, Muhammad bin Muhammad, 2005 (1426 AH), *Ta'wilat Ahl al-Sunnah (Tafsir al-Maturidi)*, Edited by: Basloom, Majdi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Mawardi, Ali bin Muhammad, Undated, *Al-Nukat wa al-Uyun*, Reviewed and Commented by: Abdul Rahim, Sayyid bin Abdul Maqsood, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Baydoun. [In Arabic]
- Mostafavi, Hassan, 2009 (1430 AH), *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya - Center for the Publication of Allameh Mostafavi's Works. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser, 1992 (1371 AH), *Tafsir Nemuneh*, A Group of Authors, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Mirza, Abdul Hashim, 2017 (1396 AH), *Comparative Study of the Occasion of Revelation of the Verses of Giving (22-5 Surah Insan) from the Viewpoint of Exegetes of Both Sects*, Comparative Studies of Quran and Hadith Semi-Annual Journal, Volume 5, Issue 8, pp. 24-43. [In Persian]
- Wahidi, Ali bin Ahmad, 1994 (1415 AH), *Al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Edited by: Dawudi, Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]



پروژیکٹ: گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی